



مناظره امیر المؤمنین علیه السلام مناظره امیر المؤمنین

بابزرگانی از مهاجرین و انصار

● سید صادق پیشمازی

خلافت خود پرداخته و ادله مشهور مخالفین را پاسخ می‌گویند. در پی نوشت‌ها در مواردی که احساس می‌شد نیازمند توضیح است، ضمن توضیح مختصر، منابع معتبر شیعه و سنی جهت مطالعه بیشتر معرفی گردیده است. امید آنکه این مختصر گامی مفید جهت آشنایی با شخصیت والای مولای متقیان بوده و برای مبلغان ارجمند در تبیین حقایق مفید باشد.

یکی از مباحث جذاب و آموزنده پیرامون شخصیت مولای متقیان علی علیه السلام گفت و گوی آن حضرت با افراد و شخصیت‌های معروف صدر اسلام است. در دو نوشتار گذشته، مناظره علی علیه السلام با ابابکر و اهل شوری مورد بحث و کنکاش قرار گرفت، اینک مناظره آن حضرت با بزرگانی از مهاجرین و انصار را تقدیم شما خواننده گرانقدر می‌کنیم. در این مناظره، علی علیه السلام ضمن بیان گوشه‌ای از صفات والای خویش به بیان حقانیت

مجلس تفأخر

ابان از سلیم بن قیس نقل می‌کند که گفت: ^۱

در زمان حکومت عثمان، در مسجد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دیدم و در کنار او شاهد گفتم و گوی جماعتی از مهاجرین و انصار پیرامون مباحث علمی و ذکر فضایل آنان بودم. مهاجرین از فضایل قریش می‌گفتند... و انصار به ذکر فضایل و سوابق خود می‌پرداختند... هر یک از دو گروه، نام شخصیتی را برده و می‌گفتند: فلانی از ماست، تا بر افتخارات خود بیفزایند...

صحبت به درازا کشید. نزدیک به دو بیست نفر در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله حضور داشتند. از مهاجرین افرادی چون علی بن ابی طالب علیه السلام و دو فرزندش، سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمان بن عوف، طلحه، زبیر، عمار، مقداد، ابوذر، عبدالله بن عمر و... و از انصار افرادی چون ابی بن کعب، زید بن ثابت، ابو ایوب انصاری، جابر بن عبدالله، زید بن ارقم و... بودند. علی علیه السلام و بستگانش در آن جمع، ساکت بوده و سخن نمی‌گفتند، مردم روی به علی علیه السلام کردند و گفتند:

چرا سخن نمی‌گویید؟

همه فضایل به برکت رسول الله صلی الله علیه و آله

○ هر کدام از دو گروه فضیلتی را گفتند و به حق هم گفتند، و من از شما ای گروه قریش و انصار سؤال می‌کنم؟ به خاطر چه کسی خداوند این فضایل را به شما عنایت فرمود؟ آیا به خاطر خودتان و قبایل و خانواده‌هایتان بود و یا به خاطر غیر شما؟

□ خداوند به خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او این فضایل را به ما عطا فرمود، و بر ما منت نهاد، نه به خاطر خود و قبایل و خاندانمان.

○ راست گفتید.

خلقت نور پیامبر و اهل بیت علیهم السلام قبل

از خلقت آدم

آیا اقرار می‌کنید آنچه از خیر دنیا و آخرت که بدان دست یافته‌اید فقط (به واسطه) ما اهل بیت بوده نه از شما؟ و آیا می‌دانید که پسر عمویم رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «چهارده هزار سال قبل از خلقت آدم، من و اهل بیتم نوری بودیم در پیشگاه پروردگار، وقتی خداوند آدم را خلق کرد، آن نور را در صلب او قرار داد و او را به زمین فرستاد. سپس خداوند همچنان ما را از صلب‌های با شرافت، به رحم‌های پاک و از رحم‌های پاک به





اصلاب با شرافت بین پدران و مادران
منتقل نمود...»

□ آری قطعاً این را از پیامبر ﷺ شنیده‌ایم.

سداو اب بجز باب علی ﷺ

□ آیا اقرار می‌کنید که پیامبر ﷺ هر دری به جز درب خانه مرا به مسجد مسدود کرد؟ آن‌گاه بعضی در این رابطه سخنانی گفتند و پیامبر اکرم فرمودند: من در خانه‌های شما را نیستم، و در خانه‌ای را باز نگذاشتم، بلکه خداوند به من دستور بستن در خانه‌های شما و باز گذاشتن در خانه او را داد.

□ به خدا سوگند آری.

شکافی به قدر چشم

□ آیا اقرار می‌کنید که عمر اصرار داشت شکافی به قدر چشم از خانه‌اش به مسجد باز کند، ولی پیامبر ﷺ اجازه ندادند؟

□ به خدا سوگند آری.....

علی بهترین است

□ آیا اقرار می‌کنید که پیامبر اکرم ﷺ به حضرت فاطمه رضی الله عنها فرمودند: تو را به ازدواج کسی در آوردم که بهترین اسل بیتم، بهترین امتم، مقدم‌ترین آن‌ها در اسلام، بالاترین آن‌ها در حلم و

بیشترین آن‌ها در علم است؟^۳

□ به خدا سوگند آری.

علی وسیله نجات

□ آیا اقرار می‌کنید که پیامبر اکرم ﷺ در آخرین خطبه‌ای که برای شما ایراد کردند، فرمودند: ای مردم! من در میان شما دو چیز گران بها باقی گذاشتم که تا به آن دو تمسک دارید هرگز گمراه نمی‌شوید، آن دو کتاب خدا و اهل بیت می‌باشند.^۴

□ به خدا سوگند آری.

علی سابق الی الله

□ سوگندتان می‌دهم به خداوند آیا می‌دانید که خداوند عز و جل در کتابش سابق را بر مسبوق در بیش از یک آیه فضیلت داده است. و احدی از این امت از من نسبت به خدا و رسولش سبقت



نگرفته؟^{۵۹}

□ به خدا سوگند آری.

علی افضل اوصیا

○ سوگندتان می‌دهم به خداوند آیا می‌دانید وقتی این آیات نازل شد: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾^{۶۰}، ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾^{۶۱} از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در رابطه با آیات سؤال شد. حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پاسخ دادند: خداوند این آیات را در مورد انبیا و جانشینان ایشان نازل کرده است، من افضل انبیاء و رسولان خدایم و علی بن ابی طالب صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جانشین من، افضل اوصیاء است^{۶۲}.

□ آری به خدا سوگند.

آیات عظمت علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

○ سوگندتان می‌دهم به خداوند، آیا می‌دانید وقتی این آیات نازل شد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَاولى الامر منكم﴾^{۶۳}، ﴿انما وليكم الله ورسوله و الذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزكوة و هم راعون﴾^{۶۴}، ﴿ام حسبتم ان تتركوا و لما يعلم الله الذين جاهدوا منكم و لم يتخذوا من دون الله و لا رسوله و لا المؤمنین وليجه﴾^{۶۵}، مردم گفتند: آیا

این آیات در باره بعضی از مؤمنین است یا نسبت به همه آنان عمومیت دارد؟ خداوند عز و جل به پیامبر شما دستور داد تا والیان امرشان را به آنان بشناساند و ولایت را مانند نماز و زکات و روزه و حجشان، برایشان تفسیر کند. لذا مرا در غدیر خم برای مردم منصوب نمود.^{۱۲}

خوف از طعن و تکذیب رسول الله توسط بعضی از صحابه

در ادامه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطابه‌ای ایراد کرد و فرمود: ای مردم خداوند مرا به رسالتی فرستاده که سینه‌ام از آن به تنگ آمده و گمان کردم که مردم مرا تکذیب می‌کنند، لکن خداوند مرا ترسانید که باید این پیام را برسانم و گرنه مرا عذاب خواهد کرد. سپس دستور داد ندا کنند تا مردم جمع شوند، بعد خطبه خواند و فرمود: ای مردم! آیا می‌دانید که خداوند عز و جل صاحب اختیار من است و من صاحب اختیار مؤمنین هستم؟

مردم در پاسخ گفتند: آری یا رسول الله. آنگاه فرمود بر خیز ای علی، من برخواستم. پیامبر اکرم فرمود: هر کس من مولای اویم این علی مولای اوست. خدایا دوست بدار آن که او را دوست





بدارد و دشمن بدار آن که او را دشمن بدارد.

در آن هنگام سلمان برخاست و عرض کرد یا رسول الله، ولایت و صاحب اختیاری علی علیه السلام چگونه است؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پاسخ دادند: ولایت او همانند ولایت من است، هر کس من نسبت به او از خودش صاحب اختیارترم علی هم نسبت به او این گونه است. سپس خداوند متعال این آیه را نازل کرد: «الیوم اکملت لکن دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً»^{۱۳} آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله سه مرتبه تکبیر گفت و فرمود: الله اکبر بر کمال نبوت من، تکمیل دین خدا ولایت علی بعد از من است.

ابوبکر و عمر برخاستند و گفتند: یا

رسول الله صلی الله علیه و آله آیا این آیات مخصوص علی است؟!

پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ دادند: آری در باره او و جانشینانم تا روز قیامت^{۱۴} است. آن دو گفتند: آنان را برای ما بیان فرما.

حضرت رسول فرمودند: علی، برادرم، وزیرم، وارثم، وصیم و جانشینم در امتم و صاحب اختیار هر مؤمن بعد از من است. سپس پسرم حسن، آنگاه پسرم حسین و سرانجام نه نفر از فرزندان پسرم حسین یکی پس از دیگری که قرآن با آنان و آنان با قرآنند، نه آن‌ها از قرآن جدا می‌شوند و نه قرآن از آن‌ها، تا بر سر حوض بر من وارد شوند.^{۱۵}

□ آری به خدا سوگند، همه آنچه را که گفتمی دقیقاً شنیدیم و حاضر بودیم....

در آن هنگام زید بن ارقم، براء بن

عازب، ابوذر، مقداد، عمار و... گفتند: ما شهادت می‌دهیم بر آنچه که گفתי...
 آنگاه که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: ای مردم خداوند در کتابش شما را امر به نماز کرد و من آن را برایتان بیان نمودم؛ به زکوة، حج و روزه دستور فرمود، آن را نیز برای شما روشن کردم؛ به ولایت (علی) دستور داد و من شما را شاهد می‌گیرم که ولایت مخصوص این شخص (علی ﷺ)، سپس دو فرزندش و سپس برای اوصیای او از فرزندان‌شان بعد از ایشان است....

علی پناه امت بعد از رسول الله ﷺ
 سپس پیامبر اکرم ادامه دادند و فرمودند: ای مردم پناه و امامتان بعد از خود و ولی و هدایت‌کننده شما را برایتان بیان کردم^{۱۶} و او برادرم علی بن ابی طالب است. او در میان شما به منزله من در میان شماست. در دین خود از او پیروی کنید و در همه امورتان از او اطاعت کنید. زیرا آنچه که خداوند از علم و حکمتش به من آموخته، نزد اوست. از او بپرسید و از او و جانشینان بعد از او بیاموزید و به آنان چیزی یاد ندهید و بر آنان پیشی نگیرید و از ایشان عقب نمانید که آنان با حق و حق با آنان

است و از هم جدا نمی‌شوند. بعد از ادای شهادت (بر آنچه بیان شد) جمعیت نشستند.

علی ﷺ و حدیث کساء

سلیم بن قیس می‌گوید: سپس علی ﷺ فرمود: «ای مردم! آیا می‌دانید خداوند در کتابش این آیه را نازل کرده: ﴿انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهیراً﴾^{۱۷} زمانی پیامبر ﷺ، من و فاطمه و دو پسر من حسن و حسین را جمع کرد و رو اندازی از فدک بر روی ما انداخت و فرمود: اینان اهل بیت من و فامیل و اقربای من هستند، آنچه آنان را ناراحت کند مرا ناراحت کرده و آنچه آنان را اذیت کند مرا اذیت کرده و آنچه آنان را به تنگ آورد مرا به تنگ می‌آورد. (خدایا) رجس و پلیدی را از آنان ببر و آنان را پاک گردان. ام سلمه عرض کرد یا رسول الله: من هم با شما هستیم؟ پیامبر فرمودند: عاقبت تو به خیر است. ولی این آیه فقط در باره من و برادرم و دخترم فاطمه و دو پسر من و نه نفر از فرزندان پسر من حسین به طور خاص نازل شده و احدی غیر از آنان در این آیه همراه ما نیست.





□ شهادت می‌دهیم که ام سلمه این مطالب را برای ما نقل کرد و ما همین را از پیامبر ﷺ پرسیدیم و آن حضرت برای ما مثل حدیث ام سلمه را نقل فرمود.

علی رضی الله عنه جلوه‌ای از صادقین

○ سوگندتان می‌دهم به خداوند، آیا می‌دانید که پروردگار، این آیه را نازل کرد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾^{۱۸}، سلمان سؤال کرد: یا رسول الله آیا این آیه عمومیت دارد یا مربوط به عده‌ای خاص است؟ پیامبر اکرم ﷺ پاسخ دادند: اما امر شدگان، همه مؤمنین هستند که مورد فرمان قرار گرفتند، اما صادقین مخصوص برادرم علی و اوصیای من بعد از او تا قیامت است.

□ آری به خدا سوگند.

علی رضی الله عنه شاهد بر مردم

○ سوگندتان می‌دهم به خداوند، آیا می‌دانید که خداوند در سوره حج چنین نازل کرده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلِ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شَهِدَاءَ عَلَي النَّاسِ...﴾^{۱۹}، در آن هنگام سلمان به پاخواست و عرض کرد: اینان

چه کسانی هستند که تو بر آنان شاهدهی و آنان بر مردم شاهدند و خداوند آنان را برگزیده و در دین بر آنان سختی قرار نداده، همان که دین پدرشان ابراهیم است؟ پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: اینان فقط سیزده نفر مورد نظر می‌باشند، نه غیر از امت. سلمان پرسید:

یا رسول الله ﷺ آنان را برای ما بیان فرما. پیامبر ﷺ فرمودند: من و برادرم و یازده نفر از فرزندانم.

□ سوگند به خداوند آری.

علی و جودی گران بها

○ شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا می‌دانید که پیامبر ﷺ در آخرین خطابه خود فرمود: ای مردم من در میان شما دو چیز گران بها باقی می‌گذارم، کتاب خدا و عترتم یعنی اهل بیتم. به این دو تمسک جوید که هرگز گمراه نمی‌شوید، خداوند لطیف به من خبر داده و وعده داده است که این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض کوثر، بر من وارد شوند.^{۲۰}

در آن هنگام عمر بن خطاب در حالی که غضب او را گرفته بود برخاست و گفت: یا رسول الله آیا همه اهل بیت تو چنین‌اند؟ پیامبر اکرم ﷺ فرمودند

خیر، فقط اوصیای من از اهل بیتم که اول آنان برادرم و وزیرم و وارثم و خلیفهام در امت و صاحب اختیار هر مؤمن بعد از من است، سپس پسرم حسن و آنگاه پسرم حسین و سرانجام نه نفر از فرزندان حسین یکی پس از دیگری تا سر حوض کوثر نزد من آیند. آنان شاهدان خدا در زمین و حجت‌های او بر خلقش و خزانه داران علم او و معادن حکمت اویند. هر کس آنان را اطاعت کند خداوند را اطاعت کرده و هر کس از آنان سرپیچی کند از فرمان خداوند سرپیچی کرده است.

□ شهادت می‌دهیم که پیامبر اکرم ﷺ این مطالب را فرموده است.

آخرین تصدیق‌های اصحاب رسول

الله بر فضیلت علی ﷺ

سؤال‌های علی ﷺ از مردم جهت ذکر فضایلش ادامه داشت، حضرت چیزی باقی نگذاشت مگر آنکه در مورد آن مردم را قسم داد و از آنان سؤال کرد و در همه موارد، مردم سخن او را تصدیق می‌کردند و شهادت می‌دادند که سخن حقی است...

سلیم بن قیس می‌گوید: در بعضی از موارد همه مردم تصدیق می‌کردند و در

بعضی از موارد عده‌ای ساکت مانده و لکن می‌گفتند: اینان که شهادت دادند مورد اعتماد ما هستند....

طناب در گردن علی ﷺ

طلحة بن عبد الله که معروف به زیرک قریش بود گفت: چه کنیم با ادعای ابوبکر که عمر و اصحابش او را تصدیق کردند و شهادت برگفتار او دادند در آن روزی که تو را به اجبار می‌آوردند در حالی که در گردنت طناب بود. به تو امر کردند بیعت کن و تو در مقابل آنان با فضایل و سوابق خود استدلال کردی و همه تو را تصدیق کردند، ابوبکر ادعا کرد که از پیامبر ﷺ شنیده است که فرموده، خداوند نخواسته است نبوت و خلافت برای ما اهل بیت جمع شود. آنگاه عمر، ابوعبیده جراح، سالم و معاذ بن جبل او را تصدیق کردند...

پاسخ اول - پیمان پنج نفر در صحیفه

خیانت است

حضرت علی ﷺ در حالی که از سخن طلحه به غضب آمده بود، برخاست و چیزی را که کتمان می‌کرد فاش نمود و مطلبی را روشن کرد که در روز مرگ عمر فرموده بود. ولی مردم مقصود آن





حضرت را نفهمیده بودند. حضرت رو به طلحه کرد و در حالی که مردم می شنیدند فرمود: ای طلحه! به خدا سوگند نوشته‌ای که روز قیامت با آن خدا را ملاقات کنم محبوبتر از نوشته‌ی این پنج نفر نیست که در حجة الوداع در خانه کعبه بر سر وفای به آن هم پیمان شدند که اگر خداوند محمد را بکشد یا بمیراند یکدیگر را بر ضد من کمک و پشتیبانی کنند تا خلافت به من نرسد.

پاسخ دوم: علی صاحب اختیار مردم

ای طلحه! دلیل بر بطلان آنچه آنان شهادت دادند و بر صحت گفتار من، سخن پیامبر ﷺ است که فرمود: «هر کس من نسبت به او از خودش صاحب اختیار ترم، علی هم نسبت به او از خودش صاحب اختیار تر است.» من چگونه می توانم بر آنان صاحب اختیار تر از خودشان باشم در حالی که آنان امیران و حاکمان بر من باشند.

پاسخ سوم: حدیث منزلت

همچنین سخن پیامبر ﷺ که فرمود: تو نسبت به من جز در نبوت همچون هارون نسبت به موسی هستی. اگر همراه نبوت چیز دیگری (همچون خلافت) هم بود که باید استثنا می شد،

پیامبر اکرم ﷺ آن را استثنا می کرد. ۲۱

پاسخ چهارم: حدیث نقلین

همچنین سخن رسول الله که فرمودند: من در میان شما دو چیز گران بها باقی گذاردم که تا به این دو تمسک کرده‌اید هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم. از آنان پیشی نگیرید و از اینان عقب نمانید. به آنان چیزی نیاموزید، به درستی که از شما داناترند. بنابر این سزاوار است که خلیفه بر امت کسی جز داناترین آنان به کتاب خدا و سنت پیامبرش نباشد. [و به فرموده پیامبر اکرم ﷺ ما داناترین امت هستیم] خداوند هم می فرماید: «افمن یهدی الی احق ان یتبع امن لا یهدی الا ان یهدی فما لکم کیف تحکمون» ۲۲ و همچنین می فرماید: «ان الله اصطفاه علیکم و زاده بسطة فی العلم و الجسم» ۲۳

و نیز پیامبر اکرم فرمودند: هیچ امتی اختیار حکومت خود را به دست کسی نمی سپارد در حالی که عالم تر از او در میانشان باشد، مگر آن که کارشان رو به زوال و پایین می رود تا به آنچه ترک کرده‌اند باز گردند. مگر ولایت، غیر از امیر بودن بر امت است؟

پاسخ پنجم: علی علیه السلام امیر عمر و ابابکر

دلیل بر دروغ آنان و باطل بودن گفتار و سخن ناحقشان این است که به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان امیرالمؤمنین بر من سلام کردند.^{۲۴} این مطلب حجت است بر آنان (ابوبکر و عمر) و بر تو و به خصوص بر اینکه همراه تو است (زبیر) و بر همه امت و بر این دو نفر (حضرت به سعد بن ابی وقاص و عبد الرحمان بن عوف اشاره کردند) و بر این خلیفه شما یعنی عثمان.

خلافت [تعیین خلیفه] قرار داد یا غیر آن؟ اگر نظر تان این است که شوری را برای غیر انتخاب امیر و خلیفه قرار داد، پس اکنون عثمان بر ما امارتی نخواهد داشت، چون در این صورت ما مأمور بودیم در غیر مسأله خلافت مشورت کنیم و اگر شوری در باره خلافت بود، چرا مرا همراه شما داخل شوری نمود؟! چرا مرا خارج نکرد؟ در حالی که می گفت پیامبر اهل بیتش را از خلافت خارج کرده و خیر داده که آنان را در خلافت نصیبی نیست.

پاسخ هفتم: سخنان عمر در هنگام

مرگ پیرامون عظمت علی علیه السلام

چرا عمر هنگامی که ما شش نفر اصحاب شوری را یکی یکی فراخواند به پسرش عبد الله گفت (در اینجا حضرت اشاره به پسر عمر نمود و فرمود:) هان او اینجاست. تو را قسم می دهم به خدا که بگویی وقتی ما خارج شدیم پدرت به تو چه گفت؟

عبدالله بن عمر گفت: حال که مرا قسم دادی، او گفت اگر با اصلع^{۲۵} بنی هاشم بیعت کنند، آنان را به وسط جاده روشن خواهد کشانید و [ملت و جامعه را] طبق کتاب پروردگارشان و سنت



پاسخ ششم: تناقض گویی عمر

ما گروه شش نفری شوری همگی زنده هستیم. اگر عمر و اصحابش در نسبت دادن آن حدیث به پیامبر راست می گفتند، پس چرا عمر مرا جزء شوری قرار نداد؟ آیا ما را در شوری برای





پیامبرشان به پاخواهد داشت.

گتمان راز توسط عبد الله بن عمر

حضرت خطاب به پسر عمر فرمودند: ای پسر عمر در آنجا تو به او چه گفتی؟ پسر عمر پاسخ گفت: من به او گفتم ای پدر چه مانعی داری که او را خلیفه قرار دهی؟ حضرت فرمود: عمر به تو چه جوابی داد. پسر عمر گفت: او مطلبی گفت که آن را کتمان می‌کنم.

افشاء راز عمر توسط پیامبر ﷺ و

علی رضی الله عنه

حضرت فرمود: پیامبر در زمان حیات خویش و در خواب وقتی که پدرت عمر مرد، آنچه او به تو گفته و تو به او گفته‌ای را به من خبر داد. و هر کس پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب ببیند گویا او را در بیداری دیده است.

گریه عبد الله بن عمر

پسر عمر گفت: پیامبر چه چیزی را به تو خبر داده؟ حضرت علی رضی الله عنه فرمود: ای پسر عمر! تو را به خدا سوگند می‌دهم که اگر برایت نقل کردم گفتارم را تصدیق کنی.

پسر عمر پاسخ داد: اگر هم خواستم ساکت می‌مانم. حضرت علی رضی الله عنه فرمود: وقتی به عمر گفتم چه مانعی داری که او (علی) را خلیفه قرار دهی، عمر گفت: مانع

من صحیفه‌ای است که در بین خود نوشتیم و معاهده‌ای که در کعبه در حجة الوداع بر سر آن هم پیمان شده‌ایم.

پسر عمر در اینجا ساکت شد و گفت: تو را به حق پیامبر سوگندت می‌دهم که از من دست برداری.

سلیم می‌گوید: در آن مجلس پسر عمر را می‌دیدیم در حالی که گریه گلویش را گرفته بود و از دو چشمانش اشک جاری بود.

اتمام حجت بر اهل شوری

حضرت سپس رو به طلحه و زبیر و غیره فرمودند: «به خدا سوگند اگر آن پنج نفر (اصحاب صحیفه) به پیامبر نسبت دروغ داده‌اند ولایت آن‌ها بر شما حلال نیست. و اگر راست گفتند بر شما حلال نیست که مرا همراه خود داخل شوری قرار دهید، زیرا ورود من در شوری (به گفته شما) مخالفت با رسول الله صلی الله علیه و آله و سرپیچی از فرمان او به حساب می‌آید.»

آنگاه رو به سوی مردم کرد و فرمود: «به من خبر دهید، من در میان شما چگونه‌ام؟ آیا راستگو هستم یا دروغگو؟» مردم پاسخ دادند: بلکه در کمال راستگویی و صداقت هستی. به

خدا سوگند نه در زمان جاهلیت و نه بعد از اسلام، تو را به دروغگویی نشناختیم...

پی نوشت‌ها

۱- ایسن مناظره در احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۳۳۷ و کتاب سلیم بن قیس هلالی، حدیث ۱۱ آمده است.

۲- جهت آگاهی بیشتر رجوع شود به بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۳.

۳- جهت آگاهی بیشتر رجوع شود به کنز العمال هندی، ج ۱۱، ص ۶۰۵.

۴- در صحیح مسلم، ج ۱۵، ص ۱۸۰ و ۱۸۱، ضمن این که تأکید پیامبر اکرم بر حفظ حرمت اهل بیت ذکر شده، این نکته مورد توجه قرار گرفته که مقصود آل علی علیهم السلام و خاندان او هستند و حدیث معروف شامل زنان پیامبر اکرم نمی‌شود.

۵- جهت آگاهی بیشتر رجوع شود به تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۷.

۶- توبه/ ۱۰۰- پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار.

۷- واقعه/ ۱۱- ۱۰- پیشگامان، پیشگامند، آن‌ها مهربانند.

۸- جهت آگاهی بیشتر رجوع شود به تاریخ ابن عساکر، ج ۳۰، ص ۵.

۹- نساء/ ۵۹- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولی الامر را.

۱۰- مائده/ ۵۵- سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او آن‌ها که ایمان آورده‌اند، همان‌ها که نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

۱۱- توبه/ ۱۶- آیا گمان کرده‌اید که (به حال خود) رها می‌شوید در حالی که خداوند هنوز کسانی را که از شما

جهد کردند و غیر از خدا و رسولش و مؤمنان را محرم اسرار خویش انتخاب ننمودند (از دیگران) مشخص

نساخته است؟ (باید آزمون شوید و صفوف از هم جدا گردد.)

۱۲- جهت آگاهی بیشتر رجوع شود به مسند احمد، ج ۱، ص ۱۱۸ و کتاب شریف الغدیر.

۱۳- مائده/ ۳- «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم» - در صحیح بخاری، ج ۶، ص ۳۸۳، روایتی نقل می‌کند که یکی از بزرگان یهودی به عمر گفت اگر این آیه برای ما بود، ما آن روز را عید می‌گرفتیم.

۱۴- جهت آگاهی بیشتر رجوع شود به صحیح بخاری، ج ۹، کتاب استخلاف، ص ۷۲۹.

۱۵- جهت آگاهی بیشتر رجوع شود به صحیح ترمذی، ج ۳، ص ۲۹۷.

۱۶- رجوع شود به مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۲۲.

۱۷- احزاب/ ۳۳- خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد - فخر رازی در تفسیر کبیر، ج ۲۷، ص ۱۶۶، تصریح می‌کند که قدر متیقن از آل البیت، علی، فاطمه و حسنین می‌باشند.

۱۸- توبه/ ۱۱۹- ای کسانی که ایمان آورده‌اید (از مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید.

۱۹- حج/ ۷۸- ۷۷- ای کسانی که ایمان آورده‌اید... خداوند شما را در کتاب‌های پیشین و در این کتاب آسمانی مسلمان نامید تا پیامبر گواه بر شما باشد و شما گواهان بر مردم...»

۲۰- جهت آگاهی بیشتر رجوع شود به صحیح مسلم، ج ۱۵، ص ۱۸۰، باب فضایل علی علیه السلام.

۲۱- جهت آگاهی بیشتر رجوع شود به صحیح مسلم، ج ۱۵، ص ۱۷۶.

۲۲- یونس/ ۲۵- آیا کسی که به حق هدایت می‌کند سزاوارتر است که تابع او شوند یا کسی که هدایت نمی‌شود مگر آن که او را هدایت کنند، پس شما را چه شده و چگونه حکم می‌کنید.

۲۳- بقره/ ۲۴۷- دبه درستی که خداوند او را بر شما برگزید و در علم و جسم به او وسعت داد.

۲۴- مسند احمد، ج ۴، ص ۲۸.

۲۵- اصلح یعنی کسی که جلوی سرش مو ندارد که در اینجا اشاره به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد.

